

بقلم : جیمز وینچستر
ترجمه : احمد احمدی

ایسلاند

به سوی فردای بهتر و روشنتری گام بردار

از مجله : ریدرز دایجست
شماره جولای ۱۹۶۶ میلادی

بعد از صرف صبحانه ، در هتلی در بندر و پایتخت ایسلاند - ریکجاویک - شهر هزار ساله ، مقداری پول خرد ، بعنوان انعام پیشخدمت ، روی میز گذاشتم . چند لحظه بعد همان سکه‌ها را بی‌افزایش و کاستی ، روی میزی در اطاق خود مشاهده کردم . همان پولهای خردی که برای پیشخدمت روی میز نهاده بودم دوباره بروی میز اطاقم منتقل شد ! بسیار تعجب کردم . اما هنگامی که جریان را برای یکی از دوستان ایسلاندم تعریف کردم با غرور خاص خود چنین پاسخ داد :

« ما در برابر کاری که انجام می‌دهیم مزد می‌گیریم ، دیگر انعام و عنایت خاصی را از کسی نمی‌توانیم متوقع باشیم . »

مردم ایسلاند در سال ۱۹۴۴ میلادی از حکومت دانمارک جدا شدند و جمهوری مستقلی را بوجود آوردند . بدین جهت است که باید گفت : از خصائص ذاتی مردم این سامان : آزادی و آزادگی و استقلال است . ایسلاند که در بالای آتلانتیک شمالی قرار گرفته جزیره ایست که از همه طرف آنرا دریاهای کشورهای متخاصم احاطه کرده و از لحاظ وسعت یک پنجم از ایرلند بزرگتر است و جمعیتی در حدود ۱۹۰ هزار نفر دارد .

ایسلاند قرن‌ها با دنیای خارج رابطه‌ای نداشت - در افراد و اتزوا می‌زیست ؛ تنها با دانمارک رابطه تجاری داشت ، حتی مردم نسبت به مهاجرت دیگران به ایسلند علاقه‌ای نشان نمی‌دادند ، بالنتیجه بقول « گونار هلگاسون » که یکی از وکلای شهر « ریکجاویک » می‌باشد : « در اینجا هر کسی را با کسی دیگر سروکار و وابستگی است نه با خارجی‌ها ! » روحانیان و رهبانان ایرلندی عقیده دارند که از سال ۷۹۵ بعد از میلاد در ایسلند مستقر شده‌اند و به دنبال آنها دزدان دریائی و سلت‌های بی‌آرام به این جزیره کوچیده و در اینجا استقرار گزیده‌اند . برخی از نخستین ساکنان ایسلند ؛ بندرهای غربی اروپا را در مدت صد سال غارت کردند و پی در پی دست به چپاول و تجاوز ایرلند و اسکاتلند زدند و حتی از دیدن دختران زیباروی آن دیار بهره‌ها گرفتند . نتیجه حسن انتخاب آنها در آن روزها زنان زیباروی زرین موی امروز این دیارند که نژادشان بهمان زیبا رویان می‌رسد !

مردم از لحاظ ظاهر شباهت زیادی به سوئدی‌ها و نروژی‌ها دارند و خود ساکنان ایسلاند درباره نژاد خود می‌گویند :

« ما تا حد زیادی اسکاندیناوی هستیم ، در این عصر فضا نوردی و جهش که ایسلاند از

پایتخت‌های اروپا فقط دو یا سه ساعت دور است، کشور ایسلاند نمی‌تواند از جریان عمومی و مهم جهان برکنار بماند و مانند گذشته در حال انفراد و جدائی بسر برد. بعلاوه بر اثر کثرت موالید و کمی مرگ و میر جمعیت این جزیره تقریباً درین قرن سه برابر افزایش یافته است. بنابراین، اگر مردم این جزیره بخواهند از نعمت زندگی مرفه و سعادت‌مندی برخوردار باشند، آنهم در جزیره‌ای که اغلب مایحتاج خود را از خارج وارد می‌کنند، باید برای گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری‌ها، بخارج از کشور خود توجه کنند و نیازمندی‌های خود را از راه مبادلات تجاری تأمین نمایند. بدین جهت، ایسلند با تضاد و تعارضی خاص روبروست: زیرا از یک طرف مایل است تازه‌ترین کالاهائی را که بیازار جهان عرضه می‌شود در اختیار داشته باشد و از سوی دیگر علاقه خاصی به حفظ مواردیست گذشتگان و نیاکان خود دارد.

قدیمی‌ترین زبان: هزارسال قبل، تمام کشورهای اسکاندیناوی یک زبان مشترک تکلم می‌کردند. که از ریشه زبان آلمانی بود. اما هنگامی که نورویجا، دانمارک، هاوسوئدی‌ها نفوذ کلمات خارجی را پذیرفتند، اهالی ایسلاند بوضعی لجوجانه، تعصب آمیز در برکناری زبان خود از نفوذ زبانهای بیگانه اصرار نشان دادند. بدین جهت زبان ایسلندی از نفوذ زبانهای دیگر برکنار ماند. با توجه بدین اصل، زبان ایسلند، چنانکه امروز نوشته و خوانده می‌شود، بازبانی که در قرن نهم درین کشور تکلم می‌شده است تفاوت بسیار اندکی دارد. اهالی ایسلند بقدری نسبت به پاکی و خلوص زبان نشان علاقه و حتی تعصب دارند که در بر نامه‌های رادیو کشورشان مرتباً به اهالی اخطار می‌شود که از بکار بردن لغات خارجی که معمولاً «ره آورد سیاحان کشورهای دیگر است جداً مخالفت کنند و مردم از بکار بردن آن خودداری نمایند»^۱ بدین طریق زبان نشان بقدری خالص مانده است که اگر مهاجران و ساکنان نخستین سالهای این جزیره می‌توانستند دیگر بار سر از خاک بردارند و به‌دریکجاویک بیایند کاملاً می‌توانستند با افرادی که درخیا با آنها ملاقات می‌کنند به آسانی سخن گویند و بین آنها تفهیم و تفاهم برقرار شود.

«دکتر گیلفی جیسلاسن» وزیر معارف کشور ایسلاند می‌گوید: «زبان اهالی ایسلاند کهنترین زبان زنده جهان است.» وی در این باره چنین توضیح می‌دهد: «درست است که زبان لاتین، یونانی کلاسیک و سانسکریت کهنترین زبانها می‌باشند اما این زبانهای کهن امروز در سخن گفتن بکار نمی‌رود.» برای اینکه ملت ایسلند بتواند خود را با عصر متغیر و مترقی امروز تطبیق دهد و پایه پای جهان نیان پیشرفت کند، استادان دانشگاه دائماً درس و متون خطی و کهنه کاوش می‌کنند تا برای معانی و مفاهیم جدید کلماتی را از بلائی کتابها پیدا نمایند تا بتوانند برای ابراز اندیشه‌ها و معانی تازه لغاتی متروک از زبان خود جست و جو کنند و آنها را دیگر بار زنده نمایند. چنانکه مثلاً برای لغت تلفون لغت‌شناسان ایسلندی کلمه «سیمی simi» را که لغتی است کهنه و به معنی «رشته یاسیم دراز» می‌باشد انتخاب کرده‌اند. همچنین برای لغت «جت jet» کلمه کهنه دیگری یعنی «thora» را که قبلاً به معنی پرنده دور پرواز و زود پروازی بوده است برگزیده‌اند و بجای جت آنرا بکار می‌برند.^۲

۱- خوب است این روش برای هموطنان ایرانی مادرس عبرتی باشد! (مترجم)

۲- آیا این نکته از نظر ما قابل دقت نیست ۱۶ (مترجم)

ایسلند یکی از کشورهایی است که مردم آن از جهت سواد و اطلاع در جهان بسیار پیشرفته‌اند. بطوری که در ایسلند نسبت انتشار کتابها برای یکفرد در سال هفت برابر بیشتر از نسبت کتابهایی است که در سال برای يك نفر در انگلستان منتشر می‌شود. ایسلندی‌ها مثلی دارند که فوق‌العاده جالب دقت است و آن اینست که می‌گویند: «بی‌کفش بودن از بی-کتاب بودن بهتر است»^۱.

بسیاری از کتابهایی که در ایسلند خوانده می‌شود به زبانهای دانمارکی، انگلیسی، یا آلمانی است؛ زیرا مردم ایسلند از زبان فهمی و زبان دانی بسیار قوی و معروف می‌باشند. در ریکجاویک پایتخت ایسلند پنج روزنامه هست که هر روز منتشر میشود و بدست مردم می‌رسد و بطور کلی در هر خیابانی در کتابفروشی وجود دارد. عمومی‌ترین برنامه‌های رادیو که مورد علاقه همگان می‌باشد، داستانهایی است از «ساگاس» و «اراس» مربوط به قرون دوازدهم و چهاردهم در خصوص سجا یا و خلقیات افراد اولیه‌ای که در این سرزمین مستقر شده‌اند و نیز داستانهایی است درباره قهرمانان واله‌های قدیم که بصورت فرهنگ عامه درآمد و هر هفته در رادیو خوانده می‌شود و مورد توجه مردم می‌باشد. در حقیقت فرهنگ و معرفت مایه خوشحالی و سعادت مردم ایسلند است.

دولت همیشه به این امر مهم توجه دارد. چنانکه همیشه پولها و حقوق مرتب و کافی بوسیله دولت به هنرمندان، نویسندگان و موسیقی‌دانان پرداخته می‌شود تاغذای روح و روان و سرمایه معنوی ملت را فراهم کنند. دولت خودیک هیئت اپرا و دوار کسترسمفونی و یک تئاتر ملی را رأس‌حمایت و تشویق می‌کند تا بادلکرمی بکارهای هنری خود بپردازند. دسته‌های بالتی که از انگلستان، روسیه و دانمارک می‌آیند مرتباً نمایشهایی در پایتخت (ریکجاویک) تشکیل می‌دهند و هنر خود را به معرض تماشای و قضاوت مردم می‌گذارند.

آتش و یخبندان: چنانکه زمین شناسان اظهار عقیده می‌کنند ایسلند خیلی قدیم نیست. انفجارهای آتش‌فشانی موجب آمد که این جزیره سراز اقیانوس درآورد و به تدریج تشکیل شود. می‌گویند که این حادثه ۶۰ میلیون سال قبل روی نمود و بر اثر این قبیل انفجارهای آتشفشانی توده‌های خاک بصورت جزایری در آغوش آنها بوجود آمد. از آن جمله ایسلند بمرور زمان و گذشت قرون مواد مذاب آتشفشانی که از دهانه آتشفشان خارج شد بتدریج مساحت و وسعت آنرا زیادتر کرد تا آن را به مساحتی در حدود ۳۹۸۰۰ میل مربع رسانید و باید گفت این جزیره هنوز در حالت ساخته شدن و بوجود آمدن است. هنوز هم آتشفشانهای جدیدی اغلب به ظهور می‌رسد. آخرین آتشفشان «سرتسی Surtsey» است که از ساحل جنوبی اندکی فاصله دارد. پیدایش آن بدین صورت بود که در بامداد ۱۴ نوامبر سال ۱۹۶۳ میلادی دودی غلیظ در سطح آب نمودار شد. ماهیگیرانی که در آن نزدیکیها بودند پنداشتند که کشتی بزرگی در آن حوالی آتش گرفته است وقتی نزدیکتر رفتند مشاهده نمودند که آب دریا در حال جوشیدن است. شب بعد مخروط سیاه‌رنگی را مشاهده کردند که سراز آغوش امواج بدر آورده و ارتفاعش به ۳۰ پارسیده بود و بر اثر برخورد آب دریا و مواد داغ و آتشین آتشفشان بخار غلیظی از آن برمی‌خاست و انفجارهای فراوانی را تولید می‌کرد. قطعات بسیار بزرگ مواد مذاب با شدت زیادی به هوا پرت

می‌شد و دیگر بار به داخل دریا فرومی‌افتاد. آذرخشهای ارغوانی که بر اثر انفجار درهوا تولید می‌شد از میان دودها - همچون صامه‌های بهاری - با سرعتی شگفت انگیز و پیچ در پیچ به این سوی و آن سوی پرت می‌گردید. ماهها، همچنان مواد مذابه آتشفشانی بر سواحل «سرتسی» می‌ریخت. وقتی یکسال ونیم بعد از وقوع این آتشفشان برفراز آن جزیره پرواز نمودم، جزیره‌ای دور از ساحل بوجود آمده بود که از لحاظ وسعت بالغ بر یکمیل مربع بود. مخروط اصلی کاملاً آرام بود اما رودی که ناشی از انفجارها بود و بخار غلیظی که از آنجا برمی‌خاست حکایت از جوشش و گداختن مواد آتشفشانی می‌کرد و در اطراف جزیره کاملاً مشهود بود و از ۷۵ میلی ریکجاویک به آسانی دیده می‌شد. آنچه بر اثر این آتشفشانها، در درجه دوم حاصل می‌شود، چشمه‌های آب گرمی است که جای‌جای مانند کتری‌های آب جوشان و در حال فروان می‌باشد و بی‌شک بر اثر همین آتشفشانهای شدید تولید می‌شود. سیاحتی که اغلب به ریکجاویک (که به معنی خلیج دوداست) برای تماشای مسافرت سفر می‌کنند، وقتی چشمه‌های جوشانی را می‌بینند که در گوشه و کنار بخاراتی به بالا متصاعد می‌کنند، حتی در کرانه‌ها و جاهای خلوت و جاده‌های شنی و کوره‌راهها از این قبیل چشمه‌های جوشان مشاهده می‌کنند سخت دچار شگفتی می‌شوند و از تعداد آنها متعجب می‌مانند. ایسلندیهایی که در قسمت شمالی ساکن اند سالیان متمادی سبب زمینی‌ها و نشان‌رادر خاک رس گرم و گوگردی اطراف چنین چشمه‌هایی بخته‌اند. از معروفترین چشمه‌های آب گرم ایسلند آبی است که به «چشمه آب گرم بزرگ» نامبردار می‌باشد. نام این چشمه معروف بر چشمه‌های مشابه آن در تمام جهان اطلاق شده است. بر خلاف سایر چشمه‌ها، این چشمه آبگرم تابع برنامه منظمی نیست، بدین جهت راهنمایان توریست‌ها نمایش آن را بدین صورت آغاز می‌کنند که: مقداری گرد صابون در حوضچه آن می‌ریزند. گرد صابون درست در زیر سطح آب حل می‌شود و ستونی از بخار به ارتفاع ۲۰۰ پا در داخل هوا بلند می‌شود. این نمایش در حدود ۲۰ دقیقه زمان می‌گیرد.

باهمه این آتشفشانها ایسلند سرزمین یخبندان و سرماست و می‌توان گفت یک هشتم سطح آن از توده‌های یخ پوشیده شده است. آنجا که از یخ پوشیده نشده، از توده‌های مواد آتشفشانی کوههای سیاهرنگ ملال خیزی بوجود آمده است که در هر گوشه و کنار به ارتفاعات مختلف دیده میشود. این قسمت وسیع و غیرمسکون آن چنان شباہتی، از لحاظ ظاهر، به سطح کره ماه دارد که عده‌ای از ستاره‌شناسان بخصوص بدانجا فرستاده شده‌اند که از لحاظ موقعیت حیات و خصوصیات اقلیمی این نقطه از جهان را که خیلی به‌ماه شباهت دارد مورد مطالعه قرار دهند و اوضاع و احوال آنجا را با ماه بسنجند.

در این کشور جای‌جای نقاط دیدنی و جالب توجه وجود دارد که زیبایی آنها مسحورکننده است. دره‌های وسیع در کرانه‌های ساحل که آب دریا در آنها پیشروی می‌کند در قسمت‌های سواحل غربی و شمالی دیده می‌شود که به دریا منتهی می‌گردد. صدها جزیره غیرمسکون و کوچک، مانند سگهائی که از گله نگهبانی می‌کنند، در اطراف ایسلند بر دریا نشسته‌اند. از سواحل جنوب و مشرق سواحل وسیع شنی و یا سواحلی که از صخره مستور شده است دره‌های عمیق و وسیع جدا می‌شود که از فرشی زمره‌پوشیده شده و سبز و خرم است و در گوشه و کنار

آن ، خانه های دهقانی باسقف های قرمز رنگ همچون خالهای قرمزی بر صفحه سبز رنگ در کنار کوهستانها و دره های پر یخ دیده می شود .

در ایسلند راه آهن وجود ندارد . بهترین و رایج ترین وسیله برای مسافرت هواپیما است . در این کشور بیش از صد بنگاه مسافرت هوایی وجود دارد و باید گفت بهترین وسیله برای مسافرت به اطراف هواپیماست که در فرودگاههای مجهز می نشیند و مسافران با سرویس های منظم هواپیمائی به گوشه و کنار جهان می روند . هر سال تعداد مسافرین هوایی در اطراف و جوانب کشور مساوی سه پنجم تمام جمعیت ایسلند می باشد .

وقتی در هواپیما از بالا به پائین نگاه می کنید در همه جا آب می بینید . رودخانه هایی که از ذوب شدن یخ و برف تولید می شود و به سوی دریا روان است ؛ از ماهیهای قزل آلا و آزاد حیات و هیجانی دارند . آبشار نیز بحد فراوان در این کشور دیده می شود . دریاچه - هایی که در کوهستانها واقع است پر از انواع ماهی است . در همین دریاچه ها تکه های بزرگ یخ نیز دیده می شود که از یخچالهای کوهستانی جدا شده و سر از آب بدر آورده است .

آب و هوای ایسلند اگر چه بر حسب وضع فرق می کند ولی بالنسبه معتدل است . تابستانها هوا خنک است و حد متوسط درجه حرارت در ماه ژانویه - در ریکجاویک که شمالی ترین پایتخت های جهان است ۳۰ درجه می باشد . شاخه ای از جریان آب گرم (گلف استریم) که از سواحل ایسلند عبور می کند در بوجود آوردن این هوای معتدل سهم بسزائی دارد . هوایی که از جنوب بیالا در جریان است موجب نزول برف زیادی می شود و یخچندان های زیادی را بوجود می آورد ، اما عموماً پوشیدن بارانی بمراتب از پالتو ضخیم در هوای این منطقه مناسبتر است .

جریانهای هوای قطبی وقتی با ابرهای جنوبی تصادم می کنند معمولاً بیش از آن در سردی هوا مؤثر می باشند و در متغیر بودن آب و هوا تأثیر می کنند . این تغییر هوا بقدری است که در یک روز صبح ممکن است باران نرم ، آفتاب تند ، طوفان شدید و آرامش همه باهم پیش آیند . ایسلند ، تقریباً در ماههای تابستان ۲۴ ساعت روشنائی روز دارد و در زمستان برعکس تاریکی کاملی در آنجا حکمفرما می باشد .

پسران و دختران: مردم این دیار از وضع هوا بسیار مبهم تر می نمایند ! ابتدا از نامگذاری آنها شروع می کنیم . اهالی ایسلند نام مذهبی خود و نام مذهبی پدرشان را بکار می برند و به آن کلمه « پسر » یا « دختر » می افزایند . مثلاً اگر من از اهالی ایسلند باشم نام من « جیمز هاگ سن » خواهد شد زیرا که نام مذهبی پدرم « هاگ » بوده است و ناچار کلمه « son » که بمعنی پسر است بدنیال نام من افزوده خواهد شد . زنم که ژوزفین نامیده می شود در ایسلند « ژوزفین جانس دایتر » خواهد شد زیرا که نام کوچک پدرش « جان » است و چون زنم دختر « جان » بوده است ؛ بنابراین کلمه « John » کلمه « Dattir » که بمعنی دختر است به اسمش افزوده خواهد شد . بدین طریق در یک خانواده ایسلندی نام خانوادگی شوهر و زن و بچه ها ، همه باهم اختلاف پیدا می کنند . مرد ایسلندی هنگامی که در هتلی در خارج از کشورش اقامت می کند و صاحب هتل نام او و اعضای خانواده اش را ثبت می نماید به یقین در بستگی و خویشی آن افراد نسبت بهم دچار تردید و اشتباه می شود .

در ایسلند غفلت ها و خطاهائی ناشی از جوانی بندرت اتفاق می افتد . جهالت ، زور گوئی

واجحاف ازهر روی در این سرزمین نایاب است . در پنجاه سال اخیر تنها سه فقره جنایت در ایسلند اتفاق افتاده است . در تمام کشور ایسلند ۲۵۰ پلیس بیشتر نیست .

در چند قرن یکبار سروصدا و زد و خوردی اتفاق افتاده که شباهتی به «بلوآ» و «آشوب» داشته است . این قبیل اتفاقات بقدری درین کشور نادر است که حتی پلیس فراموش می کند چگونه باید فی المثل با گاز اشک آور در برابر چنین حوادثی انجام وظیفه نماید زیرا این قبیل موارد بسیار دیر دیر پیش می آید . تنها چیزی که درین کشور دیده می شود قاچاق و خطاهای رانندگی و بدتر از اینها مستی درحین رانندگی است . این امر از کارهای بسیار ناشایست محسوب می شود چنانکه اگر شخصی بعد از آنکه مشروب نوشیده و برانندگی پردازد و پلیس ایسلند او را به چنگ آورد تصدیق رانندگی اش را بمدت شش ماه نگه میدارند و ۳۰ دلار جریمه اش می کنند و شش روز به زندانش می اندازند ! راننده مست می تواند وقتی را که برای اجرای حکم مناسبتر است انتخاب کند . زندان ایسلند همچون خانه های ییلاقی و دهقانی است و از صفا و طراوت برخوردار است و عموماً در چنین زندانهای سلولهای تکی وجود ندارد .

استعدادهای امیدبخش : قسمت عمده از بودجه عمومی ایسلند در راه تعلیمات عمومی و مجانی - تا سطح دانشگاه - و برای بهداشت و بیمه حوادث و بیکاری و مخارج پانسیون های زمان ببری صرف و خرج می گردد و برای تأمین مخارج مهم تعلیم و تربیت و بهداشت مالیاتهای بسیار سنگین تصاعدی بر درآمدها وضع شده است (مالیات بر درآمد تصاعدی بوسیله دولت و شهردارها وصول می گردد و این مالیاتها ممکن است تا ۵۷ درصد از عایدات یک فرد افزایش پیدا کند) درآمد مردم ایسلند هم بسیار رضایت بخش است و تقریباً هر کسی دو تاسه شغل دارد و ساعات متوالی با فعالیت زیادی کار می کند .

یکی از جمله کارهای عمده و آزاد کشور ایسلند شرکت هواپیمائی لافت لیدر (برای مسافرتها ی هوائی است) و این تنها خط هوائی است که در شمال آتلانتیک کار می کند و بطور خصوصی و مستقل اداره می شود و حتی از کمک دولت بهره ای نمی برد . این مؤسسه بزرگ ۲۲ سال قبل با داشتن یک دستگاه هواپیما و سرمایه ای کمتر از ۳۵۰۰ دلار بوجود آمد ؛ اما امروز خود بزرگترین کارفرما و مؤسسه استخدام کننده محسوب می گردد . این شرکت در سال ۱۹۶۴ میلادی یکصد و شش هزار مسافر را از ممالک متحده امریکا و اروپا و خود ایسلند آورده و بدان کشورها برده است . استفاده خالص این مؤسسه بالغ بر ۳۵۰ هزار دلار در سال مزبور بوده است ؛ که پانزده درصد سود به صاحبان سهام پرداخته و جوایز و پاداش های بسیار زیادی به مستخدمان خود نیز داده است .

اقتصاد این جزیره بطور انحصار بستگی به ماهیگیری دارد . مجموع ماهیگیری در سال بالغ بر یک میلیون تن می شود و این مقدار با ماهیگیری کشور نروژ که بیست برابر بیشتر از ایسلند جمعیت دارد برابر است !

ایسلند استفاده بسیار خوبی از منابع طبیعی خود برده است . برای مثال گلخانه هایی را می توان نام برد که با بخارهای طبیعی و گرم تربیت و مواظبت می شود . دردهوراگردی ، جریب های زیادی از زمین گوجه فرنگی ، خربزه ، انگور ، آناناس ، موز و دانه های قهوه زراعت می شود و برای محفوظ بودن از سرما در خانه های شیشه ای قرار دارد که با بخار گرم چشمه های جوشان گرم می شود و زراعت آن بسیار پرثمر است .

هشتاد تا نود درصد ساختمانها و خانهها در ریکجاویک با سیستم شوفاژ سااترال (حرارت مرکزی) بخار گرم می شود که بوسیله لوله هایی که پراز آب ۱۳۰ درجه حرارت می باشد از چاههایی که ده میل از آنجا فاصله دارد تأمین می گردد. این آبهای معدنی همیشه گرم هستند. در پنج سال دیگر تمام شهر ریکجاویک بهمین وسیله گرم خواهد شد، همچنانکه بقیه شهرهای کشور نیز بهمین طریق از گرمای طبیعی بهره ور خواهد گردید.

اما ایسلند اکنون نگران آینده است؛ می خواهد بداند چه کارهایی در آینده می تواند انجام دهد و از آبشارها و چشمه های آبگرم حداکثر استفاده را خواهد کرد. قدرت و استعداد این منابع طبیعی از جهت برق پنج میلیون کیلووات بر آورده شده است. برای اینکه از چنین قدرتی بتوان بحد لازم بهره گرفت؛ کارهای تازه ای شروع شده و مورد تشویق و حمایت خاص قرار گرفته است. مانند کارخانه های شیمیایی، صنایع آلومینیومی، گلخانه های بسیار بزرگ برای پروردن گلهای زیبا جهت حمل به شهرهای بزرگ کشور های جهان و عرضه کردن آنها به بازارهای مهم دنیا. آبهای سنگین و معدنی برای عصر آتومی.

استخراج نمک از دریا و مانند آنها: چون ایسلند به تکنولوژی جدیدی دست می یازد بالنتیجه از زندگی فلاحتی به زندگی صنعتی انتقال می یابد و وارد مرحله صنعتی می شود. صنعت ایسلند ۳۰٪ جمعیت خود را برای امور فنی استخدام می نماید. هنگامی که ریکجاویک کمتر از ۵ هزار جمعیت داشت، در اوایل قرن بیستم، این مقدار سه درصد بیشتر نبود و جمعیت ریکجاویک اکنون از ۵ هزار به ۷۷ هزار رسیده است. ایسلند چون هر چیزی را که بدان نیاز دارد وارد می نماید، همچنان با مسائلی روبرو می باشد. مثلاً قیمت مواد غذایی ۲۰٪ گرانتر از قاره اروپاست. قیمتها ده درصد افزایش یافته و درین ده سال اخیر مرزها چهل درصد از سال ۱۹۶۳ اضافه شده است. با آنکه ایسلند عضو پیمان ناتو (N.A.T.O) می باشد ۲۵ درصد تجارتش به کشور های پشت پرده آهنین بستگی دارد. بلافاصله بعد از جنگ، بخاطر رنجی که مردم شوروی در جنگ تحمل کردند، کمونیست ها حیثیت قابل ملاحظه ای در ایسلند بدست آوردند.

انقلاب هنگری این علاقه و حیثیت را بتحلیل برد و امروز کمونیست ها فقط از ۶۰ صندلی در «آلتنیک» قدیمی ترین مجمع پارلمان جهان فقط ۹ صندلی را در دست دارند. بهرحال برای اینکه ایسلند بتواند گذشته و آینده و کهنه و نورا در کشور خود بطرق گوناگون باهم آشتی دهد. زندگی و شرایط حیات روز بروز در حال تغییر و تبدل است. این دگرگونی مطلوب زائیده فعالیت مردم است.

شبی با یکی از مدیران جراید ایسلند بنام «ایندریدی تورستینشن» سخن می گفتم. وی چنین می گفت:

«سی و نه سال پیش روی تخته پوست کره الاغی در کلبه ای گلین در ایسلند شمالی چشم بجهان گشودم. در همین مدت کوتاه من و دیگران با گامهای بلند بسوی پیشرفت و اوضاع واحوال مساعدی که امروز در آن هستیم گام برداشتیم و پیش رفتیم. از کجا برای اقتادیم و بکجا رسیدیم! کوشیدیم خود را با زندگی امروزین وفق دهیم.»

باری: ایسلند ربه آینده روشن خود گام برمی دارد و بگفته پرزیدنت آسگر آسگرسن: «چه بخواهیم و چه نخواهیم امروز دیگر دوران انزوا و کناره گیری سپری شده و باید همگام با ملل مرفقی جهان به پیش برویم.» اینست شعار مردم ایسلند.